

مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهادی خسروشاهی با تقلد این اعداء(درخصوص چاپ نشریه انتقام)، به سؤال خود از آیت‌الله مصباح در این باب اشاره کرده و پاسخ صریح ایشان را این چنین نقل می‌کند: «در چند سال قبل، این جانب در «قم» تلفنی به استاد مصباح گفتم که من مجموعه ششماره‌های «انتقام» را مانند نشریه «بعثت» در آرشپو شخصی خود نگهداری کرده‌ام و اکنون که «بعثت» در شرف انتشار به طور مستقل است؛ اولاً: می‌توانم به استاد مصباح بگویم که من مجموعه ششماره‌های «انتقام» را به تنهایی و با امکانات بسیار محدود آن زمان، خود دلیلی روشن و آشکار بر این روش و تاکتیک و استمرار روح مبارزه است... و هرگز

**حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح بزدی از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۲) ۴۹**

## اصلاح برخی روایت‌های مخدوش درباره «انتقام»

نمی‌توان ایشاَن -و یا کسان دیگر را- به دلیل نداشتن «هشاه» در چند اعلامیه! جدا شده از نهضت و دور از «همدان مبارزه» نامید؛ در واقع اگر کسانی برای این که شناخته نشوند و مبارزه را استمرار بخشند و یا بنا به تشخیص خود، چند صباحی به ظاهر توقفی در مبارزه داشته باشند تا رفع خطر بشود و یا چند اعلامیه حوزه علمیه قم را به دلالی «تلاطم عمامه حضور در حوزه- امضا نکنند، نمی‌توان گفت که آنها از مبارزه با رژیم «دور شده» و یا «بریده»‌اند!

به هر حال نشریه «انتقام» با محتوای غنی خود، نشان دهنده عمق اندیشه و نوع تفکر «ناشر» آن در زمینه‌های مبارزاتی است که فقط در «جُعد سیاسی» خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل ابعاد گوناگون دیگر این مبارزه نیز می‌گردد. البته اعلام تنهایی آقای مصباح بزدی در این مبارزه، باز به مفهوم مخالفت دیگر دوستان آن زمان، با «خط مشی» ایشان نیست، بلکه «توقیف» نصب آنان نشده که «همکاری» داشته باشند و این نیز، ناشی از تصمیم خاص خود آقای مصباح بوده که برای احتراز از اختلاف احتمالی در اندیشه یا اداره نشریه، از دوستان «بعثت» دعوت به همکاری قلمی نکرده‌اند. گرچه آنها ضمن اطلاع از کم و کیف جریان، از صمیم قلب موفقیت نشریه را آرزومند بودند و در توزیع آن، در حدود امکان، تلاش و کوشش می‌کردند.»

یکی از مخاطرات تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، آسیب‌های ناشی از تاریخ شفاهی است که گاه تصویری نادرست و مخدوش از مسائل در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. از این رو بازخوانی انتقادی برخی اظهارات، به عنوان یک بخش مهم از طرح تاریخ‌نگاری محققان، حائز اهمیت راهبردی است. به عنوان نمونه، در بحث

علامه مصباح: من در آماده‌سازی نشریه انتقام از نوشتن مقالات تا تهیه مقدمات و تکثیر و حتی سی‌م‌زنی و بسته‌بندی، تنها بودم و همکار رسمی در این رابطه نداشتم... و نشریه «انتقام» از گان هیچ سازمان و تشکیلاتی نبود، بلکه در واقع، نشریه حوزه علمیه قم بود.

می‌کنند، این در واقع «تاکتیکی» خاص و مرحله‌ای بوده، وگرنه «ستراتژی» ایشان، از روزی که ما ایشان را در جلسات درس تفسیر و فلسفه استاد علامه آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبایی شناختیم، «کار در راه خدا» و «دای تکلیف در حد توان و قدرت» طبق تشخیص و برداشت خود بود.

نشر «انتقام» آن هم به تنهایی و با امکانات بسیار محدود آن زمان، خود دلیلی روشن و آشکار بر این روش و تاکتیک و استمرار روح مبارزه است... و هرگز

پس از بسته‌شدن بحث و توسط گروهی از دوستان شکل گرفته و به قرینه سؤال صاحب‌گهر در نقل او چنین اقام می‌شود که انگار خود او نیز در این جمع بوده است!ا وی می‌گوید: «اپس از بسته شدن ماهنامه بعثت شما چکار کردید؟» با توجه به مطالب پیشین، مشخص است که به انتشار ماهنامه انتقام به عنوان نشریه خط امام و صد درصد معتقد به مبارزه و انقلاب پرداختند. این نشریه مبشر فعالیت‌های مبارزاتی انقلابی بود. عنوانش هم «انتقام» بود که مؤید قصد و هدف ویژه گروه خط امامی بود.»

آقای داعیای همچنین در مصاحبه‌ای پس از رحلت آیت‌الله مصباح در مورد نشریه بعثت و انتقام می‌گوید: «امام(ره) خیلی قاطع و صریح و در حقیقت انقلابی واقعی بودند آنها طرفداران شرعتمدار می‌آمی گفتند که افشای جنایات حاکم بر کشور، افشای ماهیت رژیم درست است، منتهی باید در حد نصیحت و در حد ملامت باشند. ولی امام(ره) اعتقاد داشتند به صراحت و روشنگری واقعی؛ بعدش هم این که مشی دیگری انتحاب

**حجت‌الاسلام خسروشاهی: روش استاد مصباح – مانند دیگر همکاران و برادران – از همان دوران، «مخفی کاری» و «ازداری» و «عدم تظاهر» بود، به ویژه آن که ایشان در هیچ زمینه‌ای –زمینه‌های علمی، فلسفی، سیاسی و..... – مایل نبود که «خودی» نشان بدهد و همواره طبق معتقدات و باورهای خود، آرام و بی سر و صدا به کار و مبارزه ادامه می‌داد.**

کرده بودند و آن تأسیس دارالتبلیغ بود و فعالیت رفرمیستی «مبارزاتی در آن ایام بود تا انقلابی گری، به هر حال این رویا با جایی کشید که ناگزیر شدند که کم کم قتیله بعثت را پایین بکشند و در کنارش نشریه به درصد انقلابی خط امامی را سامان بدهند که نشریه انتقام بود که مشی مبارزاتی روشن و است و نشریه انتقام را مربوط به بعد از رکود بعثت معرفی کرده، که درست نیست. همان نقل محترم پیشین، در بخش دیگری از خاطرات خود پیرامون بعثت چنین می‌گوید: «آقای خسروشاهی زمانی سفیر ایران در واتیکان بود و در خود نوسندگی نیز خود را اهل آن می‌دانست و در قسمت پختی و توزیع نشریه بعثت، همکاری داشت؛ ولی نوسنده اصلی ما آقای مصباح محسوب می‌شد که شاید ۸۰ درصد مطالب نشریه دست پخت ایشان بود. به خاطر دارم یک روز شاه مطلب بی‌ربطی به زبان آورده بود. آقای مصباح مصمم شد در واکنش به آن مطالبی در نشریه بنویسد و در آن به مقایسه شاه با «موسی جومیه» بپردازد. ظاهراً در شماره سوم یا چهارم نشریه این مقاله به چاپ رسید. فکر می‌کنم همین مقاله زمینه حساسیت رژیم را روی تشکیلات ما فراهم کرد.»

مناقشه بعد از تخطمی که در شماره‌های بعثت شد، چنین صراحتی در تطبیق شاه با موسی جومیه پیدا نشد. این نیز شاهد دیگری است بر رخنه نقل‌های غیردقیق در عرصه تاریخ‌نگاری که اغلب مجرای آن، تاریخ شفاهی است.»

چنین سخنان غیردقیقی در بیانات افراد دیگر هم دیده می‌شود، به عنوان مثال، حجت‌الاسلاموالمسلمین سیدمحمود داعیای در جایی می‌گوید که نشریه انتقام

شورای انقلاب پس از ورود امام(قدس‌سره) به تهران در دوازده بهمن‌ماه ۵۷، تشکیل جلسه داد و به دلایلی متعدد از جمله تأکید امام(قدس‌سره) بر نقش هدایتی و نظارتی روحانیت در ابتدای انقلاب و دوری از امور اجرائی، و با در نظر گرفتن سابقه مبارزاتی، دینی و اجرایی مهندس مهدی بازرگان (بعوزیرحضور در هیئت خلع بد انگلیس از نفت ایران در زمان مرحوم مصدق)، وی را به‌عنوان رئیس دولت موقت، به امام(قدس‌سره) پیشنهاد کرد. امام(قدس‌سره) که خط امامی آنیکه شخصاً مخالف نخست‌وزیری وی بودند، نظر شورا را بر پذیرفته و طبع حکمی در تاریخ پانزده بهمن‌ماه ۵۷، ضمن تأکید بر اینکه نخست‌وزیری بازرگان، پیشنهاد شورای انقلاب است و در این انتصاب روابط حزبی و بستگی

کرده بودند و آن تأسیس دارالتبلیغ بود و فعالیت رفرمیستی «مبارزاتی در آن ایام بود تا انقلابی گری، به هر حال این رویا با جایی کشید که ناگزیر شدند که کم کم قتیله بعثت را پایین بکشند و در کنارش نشریه به درصد انقلابی خط امامی را سامان بدهند که نشریه انتقام بود که مشی مبارزاتی روشن و است و نشریه انتقام را مربوط به بعد از رکود بعثت معرفی کرده، که درست نیست. همان نقل محترم پیشین، در بخش دیگری از خاطرات خود پیرامون بعثت چنین می‌گوید: «آقای خسروشاهی زمانی سفیر ایران در واتیکان بود و در خود نوسندگی نیز خود را اهل آن می‌دانست و در قسمت پختی و توزیع نشریه بعثت، همکاری داشت؛ ولی نوسنده اصلی ما آقای مصباح محسوب می‌شد که شاید ۸۰ درصد مطالب نشریه دست پخت ایشان بود. به خاطر دارم یک روز شاه مطلب بی‌ربطی به زبان آورده بود. آقای مصباح مصمم شد در واکنش به آن مطالبی در نشریه بنویسد و در آن به مقایسه شاه با «موسی جومیه» بپردازد. ظاهراً در شماره سوم یا چهارم نشریه این مقاله به چاپ رسید. فکر می‌کنم همین مقاله زمینه حساسیت رژیم را روی تشکیلات ما فراهم کرد.»

مناقشه بعد از تخطمی که در شماره‌های بعثت شد، چنین صراحتی در تطبیق شاه با موسی جومیه پیدا نشد. این نیز شاهد دیگری است بر رخنه نقل‌های غیردقیق در عرصه تاریخ‌نگاری که اغلب مجرای آن، تاریخ شفاهی است.»

او به گروهی خاص را در نظر نمی‌گیرند، وی را مأمور تشکیل دولت موقت کردند تا اقدامات لازم را در رابطه با «داره امور مملکت و خصوصاً انجام فرایندهم و رجوع به آراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی» تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و «انتخاب مجلس نمایندگان ملت برطبق قانون اساسی جدید» را انجام دهد. یک نکته بسیار مهم در این میان قابل توجه است و آن اینکه حکم آقای بازرگان با احکام دیگری که امام‌قدس‌سره) در ابتدای پیروزی انقلاب صادر می‌کنند، همه بر مبنای تأیید ایشان توسط عموم ملت و همچنین اصل ولایت فقیه است. ایشان همچنان که در نصب اعضای شورای انقلاب تأکید کردند



### مناسبات جمهوریت و اسلامیت در انتخاب ولی فقیه – ۱۰

## دولت موقت اوّلین مانع درون‌ساختاری در مسیر نظام‌سازی اسلامی

سید یاسر جبرائیلی

ایسن انتصاب به موجب «رای اعتماد اکثریت مَلّت ایران» و «حقّ شرعی» است؛ در دیداری که پس از انتصاب بازرگان با جمعی از دانشجویان داشتند، در پاسخ به این سؤال که «یا این دولت اسلامی است؟» صریحاً مبنای تعیین دولت موقت را ولایت شرعی می‌دانند: «نخست‌وزیر را من تعیین کردم؛ من به ولایت شرعی تعیین کردم و وقتی یک کسی به ولایت شرعی تعیین شد، حق حکومت شرعی است این.» انتضار طبیعی از دولت موقت ایسن بود که در قامت یک مجری، به انجام وظایف و تکالیف محوّله از سوی امام(قدس‌سره) و مصوّبات شورای انقلاب بپردازد؛ امّا توسط مهندس بازرگان، کابینه‌ای تشکیل شد که می‌توان آن را نخستین مانع درون‌ساختاری انقلاب اسلامی در مسیر

ایسن انتصاب به موجب «رای اعتماد اکثریت مَلّت ایران» و «حقّ شرعی» است؛ در دیداری که پس از انتصاب بازرگان با جمعی از دانشجویان داشتند، در پاسخ به این سؤال که «یا این دولت اسلامی است؟» صریحاً مبنای تعیین دولت موقت را ولایت شرعی می‌دانند: «نخست‌وزیر را من تعیین کردم؛ من به ولایت شرعی تعیین کردم و وقتی یک کسی به ولایت شرعی تعیین شد، حق حکومت شرعی است این.» انتضار طبیعی از دولت موقت ایسن بود که در قامت یک مجری، به انجام وظایف و تکالیف محوّله از سوی امام(قدس‌سره) و مصوّبات شورای انقلاب بپردازد؛ امّا توسط مهندس بازرگان، کابینه‌ای تشکیل شد که می‌توان آن را نخستین مانع درون‌ساختاری انقلاب اسلامی در مسیر

### آقای حسن روحانی نقل می‌کند که بازرگان در نوفل لوشاتو می‌گفت: «اینکه امام می‌گوید شاه با یداز کشور برود، مگر شدنی است؟ پشتیبان شاه آمریکا است. شاه برود، یعنی آمریکا برود و این کار امکان‌پذیر نیست. فعلاً باید بگوییم که شاه باید صرفاً سلطنت کند و نه حکومت.»

نظام‌سازی اسلامی دانست. دولت موقت بازرگان در واقع انتلافی شدن از احزاب و گروه‌های اپوزیسیون کوچک و محدود دوران پیش از انقلاب که متشکل از جبهه ملی، حزب مَلّت ایران و نهضت آزادی بود. مبنای فکری متفاوت و متضاد مهندس بازرگان و اکثر اعضای دولت وی را رهبر انقلاب اسلامی، و پروژه متفاوتی که آنها در رابطه با نظام سیاسی جدید دنبال می‌کردند، تقریباً در همه مأموریت‌های محوّله به دولت موقت، خود را به شکل بحران نشان داد. بدروزی مشخص شد مهندس بازرگان و کابینه وی، نگاه کلان‌مناطی به اسلام داشته و مخالف تشکیل حکومت اسلامی با مختصّاتی هستند که امام(قدس‌سره) ترسیم کرده بود. بازرگان به قانون اساسی پهلوی معتقد بود و پیش

از پیروزی انقلاب گفته بود اگر شاه حاضر باشد تمام موادّ قانون اساسی را بپذیرد، ما آمادهایم تا سلطنت را بپذیریم. او در ملاقاتی که مهرماه ۱۳۵۷ با حضرت امام در پاریس داشت نیز خواستار حفظ شاه، راضی کرد آمریکا برای قطع حمایت از وی و کسب قدم‌پدم (اول مدارس، بعد مطبوعات، بعد دادگستری، بعد اقتصاد، بعد ارتش) شد. آقای حسن روحانی نقل می‌کند که بازرگان در نوفل لوشاتو می‌گفت: «اینکه امام می‌گوید شاه باید از کشور برود، مگر شدنی است؟ پشتیبان شاه آمریکا است. شاه برود، یعنی آمریکا برود و این کار امکان‌پذیر نیست. فعلاً باید بگوییم که شاه باید صرفاً سلطنت کند و نه حکومت.» امام خمینی در دیداری که در نوفل لوشاتو با ایرانیان مقیم خارج داشتند، پاسخنی علنی به این پیشنهاد بازرگان دادند: «باید مَلّت ایران مهلت به این دیگر ندهد، باید بدون مهلت این را کنار بزند و قطع ید او را سر مَلّت بکند. اگر مهلت پیدا نکند این، مصیبت است برای مَلّت ما. گاهی یک پیشنهادهایی از بعضی اشخاصی که خیلی توجه به تمام مسائل ندارند می‌شود – از بعضی از آقایان، از بعضی از محترمین – که متلاً مخلاب است که اصل رژیم باقی باشد و این شخص برود، لکن بعضی تصریح به این می‌کنند که ایشان هم باشند لکن همان‌طوری که قانون اساسی تکلیف سلطان را معین کرده است که سلطان باشد و حکومت بکند، همین سلطنت بکند، بایستی ما هم همین‌طور رفتار کنیم و بگوییم که ایشان سلطنت کنند و حکومت نکنند و حالا به این مطلب قانع بشویم و بعد کم‌کم، یک قدم یک قدم، جلو برویم؛ این جز اشتباهاتی است که آقایان دارند. آنهایی که سوء قصد دارند که سوء قصد دارند یعنی می‌خواهند این رژیم را حفظش کنند و بعد هم هر کاری می‌خواهد بکنند، آنهایی که خسن نیت دارند و آن‌طور نیستند که بخواهند یک ظلمی ادامه پیدا کنند، این‌ها هم اشتباه دارند.» ایشان پانزدهم اسفندماه ۱۳۵۷ نیز در مدرسه فقیّه، به این ملاقات و پیشنهاد بازرگان اشاره کرده و فرمودند: «هن از آن تهران که می‌آمدم آقایان آمدند آن‌جا و من به آنها عرض کردم که باید فقیّه این‌طور نباشد؛ با هم دارند البته، امّا مثل اینکه قدم قدم می‌خواهند در بر روند. در این نهضت هم بعضی قدم قدم می‌گفتند برویم، که حالا قدم اولش را برداریم. من به آن آقایانی که آمد پاریس و این مطلب را گفت، گفتم در قدم اول باینان را می‌کشند.»<sup>۱۱</sup>

**پاوشته‌ها:**

۱- بهرام‌آورد کلمنی تحلیل بر مصاحبه‌های امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۷، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۳- ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۷- ۴۸- ۴۹- ۵۰- ۵۱- ۵۲- ۵۳- ۵۴- ۵۵- ۵۶- ۵۷- ۵۸- ۵۹- ۶۰- ۶۱- ۶۲- ۶۳- ۶۴- ۶۵- ۶۶- ۶۷- ۶۸- ۶۹- ۷۰- ۷۱- ۷۲- ۷۳- ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۸- ۷۹- ۸۰- ۸۱- ۸۲- ۸۳- ۸۴- ۸۵- ۸۶- ۸۷- ۸۸- ۸۹- ۹۰- ۹۱- ۹۲- ۹۳- ۹۴- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۰۰- ۱۰۱- ۱۰۲- ۱۰۳- ۱۰۴- ۱۰۵- ۱۰۶- ۱۰۷- ۱۰۸- ۱۰۹- ۱۱۰- ۱۱۱- ۱۱۲- ۱۱۳- ۱۱۴- ۱۱۵- ۱۱۶- ۱۱۷- ۱۱۸- ۱۱۹- ۱۲۰- ۱۲۱- ۱۲۲- ۱۲۳- ۱۲۴- ۱۲۵- ۱۲۶- ۱۲۷- ۱۲۸- ۱۲۹- ۱۳۰- ۱۳۱- ۱۳۲- ۱۳۳- ۱۳۴- ۱۳۵- ۱۳۶- ۱۳۷- ۱۳۸- ۱۳۹- ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۴۲- ۱۴۳- ۱۴۴- ۱۴۵- ۱۴۶- ۱۴۷- ۱۴۸- ۱۴۹- ۱۵۰- ۱۵۱- ۱۵۲- ۱۵۳- ۱۵۴- ۱۵۵- ۱۵۶- ۱۵۷- ۱۵۸- ۱۵۹- ۱۶۰- ۱۶۱- ۱۶۲- ۱۶۳- ۱۶۴- ۱۶۵- ۱۶۶- ۱۶۷- ۱۶۸- ۱۶۹- ۱۷۰- ۱۷۱- ۱۷۲- ۱۷۳- ۱۷۴- ۱۷۵- ۱۷۶- ۱۷۷- ۱۷۸- ۱۷۹- ۱۸۰- ۱۸۱- ۱۸۲- ۱۸۳- ۱۸۴- ۱۸۵- ۱۸۶- ۱۸۷- ۱۸۸- ۱۸۹- ۱۹۰- ۱۹۱- ۱۹۲- ۱۹۳- ۱۹۴- ۱۹۵- ۱۹۶- ۱۹۷- ۱۹۸- ۱۹۹- ۲۰۰- ۲۰۱- ۲۰۲- ۲۰۳- ۲۰۴- ۲۰۵- ۲۰۶- ۲۰۷- ۲۰۸- ۲۰۹- ۲۱۰- ۲۱۱- ۲۱۲- ۲۱۳- ۲۱۴- ۲۱۵- ۲۱۶- ۲۱۷- ۲۱۸- ۲۱۹- ۲۲۰- ۲۲۱- ۲۲۲- ۲۲۳- ۲۲۴- ۲۲۵- ۲۲۶- ۲۲۷- ۲۲۸- ۲۲۹- ۲۳۰- ۲۳۱- ۲۳۲- ۲۳۳- ۲۳۴- ۲۳۵- ۲۳۶- ۲۳۷- ۲۳۸- ۲۳۹- ۲۴۰- ۲۴۱- ۲۴۲- ۲۴۳- ۲۴۴- ۲۴۵- ۲۴۶- ۲۴۷- ۲۴۸- ۲۴۹- ۲۵۰- ۲۵۱- ۲۵۲- ۲۵۳- ۲۵۴- ۲۵۵- ۲۵۶- ۲۵۷- ۲۵۸- ۲۵۹- ۲۶۰- ۲۶۱- ۲۶۲- ۲۶۳- ۲۶۴- ۲۶۵- ۲۶۶- ۲۶۷- ۲۶۸- ۲۶۹- ۲۷۰- ۲۷۱- ۲۷۲- ۲۷۳- ۲۷۴- ۲۷۵- ۲۷۶- ۲۷۷- ۲۷۸- ۲۷۹- ۲۸۰- ۲۸۱- ۲۸۲- ۲۸۳- ۲۸۴- ۲۸۵- ۲۸۶- ۲۸۷- ۲۸۸- ۲۸۹- ۲۹۰- ۲۹۱- ۲۹۲- ۲۹۳- ۲۹۴- ۲۹۵- ۲۹۶- ۲۹۷- ۲۹۸- ۲۹۹- ۳۰۰- ۳۰۱- ۳۰۲- ۳۰۳- ۳۰۴- ۳۰۵- ۳۰۶- ۳۰۷- ۳۰۸- ۳۰۹- ۳۱۰- ۳۱۱- ۳۱۲- ۳۱۳- ۳۱۴- ۳۱۵- ۳۱۶- ۳۱۷- ۳۱۸- ۳۱۹- ۳۲۰- ۳۲۱- ۳۲۲- ۳۲۳- ۳۲۴- ۳۲۵- ۳۲۶- ۳۲۷- ۳۲۸- ۳۲۹- ۳۳۰- ۳۳۱- ۳۳۲- ۳۳۳- ۳۳۴- ۳۳۵- ۳۳۶- ۳۳۷- ۳۳۸- ۳۳۹- ۳۴۰- ۳۴۱- ۳۴۲- ۳۴۳- ۳۴۴- ۳۴۵- ۳۴۶- ۳۴۷- ۳۴۸- ۳۴۹- ۳۵۰- ۳۵۱- ۳۵۲- ۳۵۳- ۳۵۴- ۳۵۵- ۳۵۶- ۳۵۷- ۳۵۸- ۳۵۹- ۳۶۰- ۳۶۱- ۳۶۲- ۳۶۳- ۳۶۴- ۳۶۵- ۳۶۶- ۳۶۷- ۳۶۸- ۳۶۹- ۳۷۰- ۳۷۱- ۳۷۲- ۳۷۳- ۳۷۴- ۳۷۵- ۳۷۶- ۳۷۷- ۳۷۸- ۳۷۹- ۳۸۰- ۳۸۱- ۳۸۲- ۳۸۳- ۳۸۴- ۳۸۵- ۳۸۶- ۳۸۷- ۳۸۸- ۳۸۹- ۳۹۰- ۳۹۱- ۳۹۲- ۳۹۳- ۳۹۴- ۳۹۵- ۳۹۶- ۳۹۷- ۳۹۸- ۳۹۹- ۴۰۰- ۴۰۱- ۴۰۲- ۴۰۳- ۴۰۴- ۴۰۵- ۴۰۶- ۴۰۷- ۴۰۸- ۴۰۹- ۴۱۰- ۴۱۱- ۴۱۲- ۴۱۳- ۴۱۴- ۴۱۵- ۴۱۶- ۴۱۷- ۴۱۸- ۴۱۹- ۴۲۰- ۴۲۱- ۴۲۲- ۴۲۳- ۴۲۴- ۴۲۵- ۴۲۶- ۴۲۷- ۴۲۸- ۴۲۹- ۴۳۰- ۴۳۱- ۴۳۲- ۴۳۳- ۴۳۴- ۴۳۵- ۴۳۶- ۴۳۷- ۴۳۸- ۴۳۹- ۴۴۰- ۴۴۱- ۴۴۲- ۴۴۳- ۴۴۴- ۴۴۵- ۴۴۶- ۴۴۷- ۴۴۸- ۴۴۹- ۴۵۰- ۴۵۱- ۴۵۲- ۴۵۳- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶- ۴۵۷- ۴۵۸- ۴۵۹- ۴۶۰- ۴۶۱- ۴۶۲- ۴۶۳- ۴۶۴- ۴۶۵- ۴۶۶- ۴۶۷- ۴۶۸- ۴۶۹- ۴۷۰- ۴۷۱- ۴۷۲- ۴۷۳- ۴۷۴- ۴۷۵- ۴۷۶- ۴۷۷- ۴۷۸- ۴۷۹- ۴۸۰- ۴۸۱- ۴۸۲- ۴۸۳- ۴۸۴- ۴۸۵- ۴۸۶- ۴۸۷- ۴۸۸- ۴۸۹- ۴۹۰- ۴۹۱- ۴۹۲- ۴۹۳- ۴۹۴- ۴۹۵- ۴۹۶- ۴۹۷- ۴۹۸- ۴۹۹- ۵۰۰- ۵۰۱- ۵۰۲- ۵۰۳- ۵۰۴- ۵۰۵- ۵۰۶- ۵۰۷- ۵۰۸- ۵۰۹- ۵۱۰- ۵۱۱- ۵۱۲- ۵۱۳- ۵۱۴- ۵۱۵- ۵۱۶- ۵۱۷- ۵۱۸- ۵۱۹- ۵۲۰- ۵۲۱- ۵۲۲- ۵۲۳- ۵۲۴- ۵۲۵- ۵۲۶- ۵۲۷- ۵۲۸- ۵۲۹- ۵۳۰- ۵۳۱- ۵۳۲- ۵۳۳- ۵۳۴- ۵۳۵- ۵۳۶- ۵۳۷- ۵۳۸- ۵۳۹- ۵۴۰- ۵۴۱- ۵۴۲- ۵۴۳- ۵۴۴- ۵۴۵- ۵۴۶- ۵۴۷- ۵۴۸- ۵۴۹- ۵۵۰- ۵۵۱- ۵۵۲- ۵۵۳- ۵۵۴- ۵۵۵- ۵۵۶- ۵۵۷- ۵۵۸- ۵۵۹- ۵۶۰- ۵۶۱- ۵۶۲- ۵۶۳- ۵۶۴- ۵۶۵- ۵۶۶- ۵۶۷- ۵۶۸- ۵۶۹- ۵۷۰- ۵۷۱- ۵۷۲- ۵۷۳- ۵۷۴- ۵۷۵- ۵۷۶- ۵۷۷- ۵۷۸- ۵۷۹- ۵۸۰- ۵۸۱- ۵۸۲- ۵۸۳- ۵۸۴- ۵۸۵- ۵۸۶- ۵۸۷- ۵۸۸- ۵۸۹- ۵۹۰- ۵۹۱- ۵۹۲- ۵۹۳- ۵۹۴- ۵۹۵- ۵۹۶- ۵۹۷- ۵۹۸- ۵۹۹- ۶۰۰- ۶۰۱- ۶۰۲- ۶۰۳- ۶۰۴- ۶۰۵- ۶۰۶- ۶۰۷- ۶۰۸- ۶۰۹- ۶۱۰- ۶۱۱- ۶۱۲- ۶۱۳- ۶۱۴- ۶۱۵- ۶۱۶- ۶۱۷- ۶۱۸- ۶۱۹- ۶۲۰- ۶۲۱- ۶۲۲- ۶۲۳- ۶۲۴- ۶۲۵- ۶۲۶- ۶۲۷- ۶۲۸- ۶۲۹- ۶۳۰- ۶۳۱- ۶۳۲- ۶۳۳- ۶۳۴- ۶۳۵- ۶۳۶- ۶۳۷- ۶۳۸- ۶۳۹- ۶۴۰- ۶۴۱- ۶۴۲- ۶۴۳- ۶۴۴- ۶۴۵- ۶۴۶- ۶۴۷- ۶۴۸- ۶۴۹- ۶۵۰- ۶۵۱- ۶۵۲- ۶۵۳- ۶۵۴- ۶۵۵- ۶۵۶- ۶۵۷- ۶۵۸- ۶۵۹- ۶۶۰- ۶۶۱- ۶۶۲- ۶۶۳- ۶۶۴- ۶۶۵- ۶۶۶- ۶۶۷- ۶۶۸- ۶۶۹- ۶۷۰- ۶۷۱- ۶۷۲- ۶۷۳- ۶۷۴- ۶۷۵- ۶۷۶- ۶۷۷- ۶۷۸- ۶۷۹- ۶۸۰- ۶۸۱- ۶۸۲- ۶۸۳- ۶۸۴- ۶۸۵- ۶۸۶- ۶۸۷- ۶۸۸- ۶۸۹- ۶۹۰- ۶۹۱- ۶۹۲- ۶۹۳- ۶۹۴- ۶۹۵- ۶۹۶- ۶۹۷- ۶۹۸- ۶۹۹- ۷۰۰- ۷۰۱- ۷۰۲- ۷۰۳- ۷۰۴- ۷۰۵- ۷۰۶- ۷۰۷- ۷۰۸- ۷۰۹- ۷۱۰- ۷۱۱- ۷۱۲- ۷۱۳- ۷۱۴- ۷۱۵- ۷۱۶- ۷۱۷- ۷۱۸- ۷۱۹- ۷۲۰- ۷۲۱- ۷۲۲- ۷۲۳- ۷۲۴- ۷۲۵- ۷۲۶- ۷۲۷- ۷۲۸- ۷۲۹- ۷۳۰- ۷۳۱- ۷۳۲- ۷۳۳- ۷۳۴- ۷۳۵- ۷۳۶- ۷۳۷- ۷۳۸- ۷۳۹- ۷۴۰- ۷۴۱- ۷۴۲- ۷۴۳- ۷۴۴- ۷۴۵- ۷۴۶- ۷۴۷- ۷۴۸- ۷۴۹- ۷۵۰- ۷۵۱- ۷۵۲- ۷۵۳- ۷۵۴- ۷۵۵- ۷۵۶- ۷۵۷- ۷۵۸- ۷۵۹- ۷۶۰- ۷۶۱- ۷۶۲- ۷۶۳- ۷۶۴- ۷۶۵- ۷۶۶- ۷۶۷- ۷۶۸- ۷۶۹- ۷۷۰- ۷۷۱- ۷۷۲- ۷۷۳- ۷۷۴- ۷۷۵- ۷۷۶- ۷۷۷- ۷۷۸- ۷۷۹- ۷۸۰- ۷۸۱- ۷۸۲- ۷۸۳- ۷۸۴- ۷۸۵- ۷۸۶- ۷۸۷- ۷۸۸- ۷۸۹- ۷۹۰- ۷۹۱- ۷۹۲- ۷۹۳- ۷۹۴- ۷۹۵- ۷۹۶- ۷۹۷- ۷۹۸- ۷۹۹- ۸۰۰- ۸۰۱- ۸۰۲- ۸۰۳- ۸۰۴- ۸۰۵- ۸۰۶- ۸۰۷- ۸۰۸- ۸۰۹- ۸۱۰- ۸۱۱- ۸۱۲- ۸۱۳- ۸۱۴- ۸۱۵- ۸۱۶- ۸۱۷- ۸۱۸- ۸۱۹- ۸۲۰- ۸۲۱- ۸۲۲- ۸۲۳- ۸۲۴- ۸۲۵- ۸۲۶- ۸۲۷- ۸۲۸- ۸۲۹- ۸۳۰- ۸۳۱- ۸۳۲- ۸۳۳- ۸۳۴- ۸۳۵- ۸۳۶- ۸۳۷- ۸۳۸- ۸۳۹- ۸۴۰- ۸۴۱- ۸۴۲- ۸۴۳- ۸۴۴- ۸۴۵- ۸۴۶- ۸۴۷- ۸۴۸- ۸۴۹- ۸۵۰- ۸۵۱- ۸۵۲- ۸۵۳- ۸۵۴- ۸۵۵- ۸۵۶- ۸۵۷- ۸۵۸- ۸۵۹- ۸۶۰- ۸۶۱- ۸۶۲- ۸۶۳- ۸۶۴- ۸۶۵- ۸۶۶- ۸۶۷- ۸۶۸- ۸۶۹- ۸۷۰- ۸۷۱- ۸۷۲- ۸۷۳- ۸۷۴- ۸۷۵- ۸۷۶- ۸۷۷- ۸۷۸- ۸۷۹- ۸۸۰- ۸۸۱- ۸۸۲- ۸۸۳- ۸۸۴- ۸۸۵- ۸۸۶- ۸۸۷- ۸۸۸- ۸۸۹- ۸۹۰- ۸۹۱- ۸۹۲- ۸۹۳- ۸۹۴- ۸۹۵- ۸۹۶- ۸۹۷- ۸۹۸- ۸۹۹- ۹۰۰- ۹۰۱- ۹۰۲- ۹۰۳- ۹۰۴- ۹۰۵- ۹۰۶- ۹۰۷- ۹۰۸- ۹۰۹- ۹۱۰- ۹۱۱- ۹۱۲- ۹۱